



انترناسیونال ۴۶۳

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۶ مرداد ۱۳۹۱، ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۲

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر این شماره: کاظم نیکخواه

فوران خشم مردم در نیشابور

میان مردم بوجود آورده است که قابل تصور نیست. روز دوشنبه این هفته مصادف با دوم مرداد آتش این خشم در شهر نیشابور شعله ور شد. در این روز جمع کثیری از مردم این شهر با شعار ننگ بر گرانی در

شهلا دانشفر
افزایش هر روزه قیمت ها و رکورد قیمت گوشت مرغ در ایران که نسبت به بازار جهانی نیز بسیار بالاست، همچنین کمیابی کالاها و وجود صف های طولانی تهیه ارزاق آنچنان فضایی از خشم و اعتراض در

صفحه ۲

کارنامه اپوزیسیون راست در ایران

متن تنظیم شده سخنرانی اصغر کریمی در يك جلسه گفت و شنود با رهبری حزب در آلمان

خیلی خوشحالم که بعد از چند سال میهمان دوستان کلن هستم. مینا احدی و کیوان جاوید گوشه هائی از دستاوردهای کمونیسم را برای جامعه ایران گفتند. البته میشد ساعت ها در این مورد صحبت کرد، درمورد دستاوردهای کمونیسم کارگری برای جامعه، دستاوردهای کمونیسم را برای

صفحه ۷

مردم نیشابور راه نشان میدهند!

زنده باد مردم نیشابور!



اعتراض امروز مردم نیشابور که از تجمع در صف تهیه مرغ شروع شد، بلافاصله با پیوستن تعداد قابل توجهی از جوانان و مردم عاصی به يك تظاهرات وسیع و تمام عیار علیه فقر و گرانی و حکومت تبدیل شد. مردم میدان مرکزی شهر را در تصرف خود گرفتند و شعار میدادند ننگ بر این گرانی و امکان هر نوع عکس العملی را از نیروهای سرکوب حکومت سلب کردند. این تظاهرات انفجار خشم عمیقی است که همه جا شعله خواهد کشید. زنده باد مردم نیشابور.

تظاهرات امروز مردم نیشابور میتواند سرآغاز مبارزات وسیع و میلیونی مردم بجان آمده از اوضاع مشقت بار کنونی باشد. صف های طولانی مردم برای تهیه مایحتاج زندگی به این امید که پس از ساعت ها انتظار کالای مورد نیازشان را با قیمت کمتری تهیه کنند، گوشه ای از جهنمی است که جمهوری اسلامی به اکثریت بالائی از مردم تحمیل کرده است. دهها میلیون نفر از مردم فقیر و زحمتکش در سراسر کشور با این شرایط دست و پنجه نرم میکنند و دیر یا زود ناچارند برای پایان دادن به این وضعیت، در ابعاد وسیع و میلیونی به میدان بیایند. اینرا نه تنها مردم بلکه مقامات رژیم و روسای نیروهای سرکوب حکومت نیز انتظار میکشند. به همین دلیل حرکت امروز مردم نیشابور با استقبال وسیعی در میان مردم مواجه شد. بینندگان کانال جدید از اقضا نقاط کشور امروز در برنامه پخش مستقیم اعلام کردند که باید همان راهی را انتخاب

صفحه ۲

مذاکرات اتمی و بن بست حکومت اسلامی

تحریمهای اقتصادی با شدت بیشتری اعمال خواهد شد و فشار بر این حکومت و انزوای دیپلماتیک آن در سطح جهان ابعادی می یابد که

معضل و شکست مهم و خطرناک محسوب میشود. و يك بار دیگر کل معضلات جمهوری اسلامی را جلوی چشم قرار میدهد. شکست در این مذاکرات بدین معناست که

صفحه ۹

دو سو به زبانهای مختلف اعتراف میکنند که این مذاکرات در بن بست قرار دارد. بن بست و شکست این مذاکرات بویژه برای جمهوری اسلامی يك

کاظم نیکخواه
بنا به گزارشها دور دیگری از مذاکرات اتمی میان دولتهای غربی و جمهوری اسلامی در راه است. و این در حالیست که هر

جدال اجتماعی علیه ختنه کودکان و سکوت اپوزیسیون ایرانی

داوران بیطرف همیشه ساکت! يك نبرد مهم علیه دست اندازی مذهب به جسم و روح کودکان

نمیدهند. چرا که در فرهنگ "مدرن" ختنه دختران به درست بسیار مذموم و قبیح است و ختنه پسران بنظر

کودکان پسر است و نه دختران و ظاهرا به این دلیل بسیاری از جریانات سیاسی چپ و راست ایرانی روی خوش به این مقابله نشان

صفحه ۳

از بحث و جدل، کمپین و مبارزه اجتماعی بر سر ممنوعیت و یا قانونی بودن ختنه در گرفته است. اینجا طبعاً بحث بر سر ختنه

مینا احدی
در آلمان بدنبال اعلام حکم دادگاهی در شهر کلن مبنی بر جرم بودن ختنه کودکان، موجی

بازتاب هفته

آخرین تحولات سوریه در هفته ای که گذشت!

محمد شکوهی

طرح امنیت اجتماعی و اعتراض مردم

شهلا دانشفر

اسپانیا: ادامه اعتراضها به طرح ریاضت اقتصادی

اخباری از اعتراضات کارگری در ایران

صفحات ۵-۶

صفحات دیگر

اسد در آستانه سقوط است، مبارزه مردم سوریه باید ادامه یابد! صفحه ۱۲

طومار اعتراضی کارگران آذربایجان شرقی، صفحه ۱۱

حزب کمونیست کارگری ایران: در حمایت از ممنوعیت ختنه کودکان!، صفحه ۱۰

اعتراض به تبعیض جنسی در المپیک ۲۰۱۲، صفحه ۴

در اطریش اولین کلینیک ها ختنه کودکان پسر را متوقف کردند، صفحه ۱۲

آزادی مذهب نباید مجوز خشونت باشد!

مینا احدی، صفحه ۱۰

حکومت اسلامی ایران میخواهد یک فعال سیاسی را اعدام کند!، صفحه ۱۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جدال اجتماعی علیه ختنه کودکان و ...

از صفحه ۱

میرسد که چندان هم بد نیست. اما موضوع بی‌اشتهایی و بی‌توجهی مطلق اپوزیسیون جمهوری اسلامی به این مبارزه که اکنون از مرزهای آلمان بسیار فراتر رفته و در رسانه های بین‌المللی نیز انعکاس وسیعی داشته، دلایل پایه‌ای تری دارد.

در آلمان چه خبر است؟

نخست باید توضیح دهم که روند ماجرا در آلمان چگونه بوده است. در ابتدا یک دادگاه در کلن - آلمان ختنه را تعرض به جسم کودکان و امری مذموم شمرده و عمل ختنه را جرم تلقی کرد. بعد از این تصمیم ختنه کنندگان طبعاً با پیگرد قضایی روبرو میشوند و این بسیار مهم است.

این حکم بلافاصله در رسانه های آلمانی منعکس شد و فوراً سازمانهای اسلامی و یهودی شروع به اعتراض کردند. آش اعتراض سازمانهای یهودی چنان شور بود که ممنوعیت ختنه را هولوکاست دیگری برای یهودیان دانستند و گفتند ممنوعیت ختنه یعنی اعلام اینکه یهودیان در آلمان جایی ندارند!! سازمانهای اسلامی نیز که همواره مدال دفاع از همه "مسلمانان" را به سینه زده اند اینجا وارد میدان شده و گفتند ممنوعیت ختنه یعنی تعرض به آزادی مذهب و حق والدین مسلمان در مورد فرزندان و ...

دولت آلمان دچار یک پانیک سیاسی شد و آنجا مرکل گفت با ممنوعیت ختنه در آلمان خودمان را مسخره دنیا میکنیم و پارلمان در یک نشست فوق العاده در کنار بحث در مورد بحران اقتصادی و کمک به اسپانیا و ... در مورد ختنه کودکان هم حرف زد و با سرعت تصمیم سمبلیکی مبنی بر قانونی بودن ختنه گرفت و اعلام کرد بدنال راه حل قانونی برای بی‌اثر کردن حکم دادگاه کلن است. در آلمان اگر تصمیم پارلمان و دادگاه در مقابل هم قرار گیرند، باید روال پیچیده قضایی و پارلمانی دیگری طی شود که چنین موضوعی به قانون رسمی کشور تبدیل گردد. بنا بر این قانون ممنوعیت ختنه پسران فعلاً اجرا میشود و هیچ پسر بچه ای نباید



ختنه گردد تا تکلیف اختلاف پارلمان و دستگاه قضایی حل میشود.

جامعه آلمان عکس العمل نشان داد

این بحثها طبعاً از چهارچوب سازمانهای مذهبی و مقابله آتیست ها و سکولارها و بی‌خدایان فراتر رفت و خوشبختانه پزشکان، حقوقدانان، سازمانهای مدافع حقوق کودک، جرم شناسان و ... در این مورد حرف زدند. فضا به ضرر سازمانها مذهبی و اسلامی چرخید چرا که اینجا دیگر مظلوم نمایی و تهدید، بی‌اثر بود و متخصصین و مدافعین حقوق انسانی، با فاکت های عینی در مورد زخمی کردن تن و بدن کودک و تاثیرات مخرب روانی این تعرض به جسم کودک در مقابل جامعه حرف زدند و این موضوع را رسانه ای کرده و به یک جدال اجتماعی مهم دامن زده اند.

از نظر من درخشان ترین بخش این اعتراض در آلمان نامه سرگشاده ای بود که دکتر ماتیا س فرانتس از دانشگاه دولسبرگ آنرا نوشت و در ابتدا بیش از صد امضا که همگی پزشک و حقوقدان بودند این نامه را امضا کردند و امروز بیش از هزار نهاد و فرد باز هم اکثراً پزشکان و حقوقدانان و در عین حال سازمانهای مدافع حقوق انسانی، آتیست ها و سکولارها و مدافعین حقوق کودک آنرا امضا کرده اند.

اینجا دیگر بحث حق آزاد شدن از دست مذهب و یا تاثیرات روانی حجاب بر کودکان و یا تدریس مذهب در مدارس فقط در چهارچوب بین سکولارها و مذهبیها نماند. در اینجا خوشبختانه یک بخش بزرگ که تا کنون در صف سکوت کنندگان بودند به میدان آمدند و در این مورد میگفتند که ختنه نه فقط لازم نیست بلکه تاثیرات مخربی نیز دارد. این صف وسیع اکنون همراه سکولارها و آته ئیستها یک جنبش عظیم اجتماعی و فکری را دامن زده اند. در این جدال موضوع برجسته این شد

که بچه مذهب ندارد و اگر بزرگسالی خواست میتواند ختنه کند ولی جامعه موظف است از حقوق کودکان دفاع کند.

بنظر من این تحرک عظیم اجتماعی و تلاش و روشننگری بشریت مدرن پا روی گلوی سازمانهای مذهبی و اسلامی گذاشت و هیچ راه دروپی برای آنها متصور نیست، مگر اینکه دولت و پارلمان آلمان بخواهند تا آن حد سقوط کنند که با شعبده بازی برای اینکه دل جریانات مذهبی یهودی و اسلامی را به دست آورند، قانونی را سرهم بندی کند و با اتکا به اکثریت پارلمانی که در پارلمان به نفع ختنه کودکان رای میدهد سر و ته قضیه را هم بیورد. اگر اتفاق بیفتد، احزاب حاکم ضربه مهمی به پیکر خود وارد میکنند و در عین حال شکایت به دادگاهی عالی خواهد رفت و کارلسروهه باید در این مورد نظر دهد. . بهمین دلیل فعلاً سازمانهای مذهبی در آلمان ساکت شده اند و به پارلمان دخیل بسته اند که با سیاست!! این سر و صداها را بخواباند و ختنه را به دلیل تهدید سازمانهای یهودی و اسلامی قانونی کند.

حرکت جهانی میشود!

ابتدا در سانفرانسیسکو تعدادی در مقابل کنسولگری آلمان میتینگ سازمان داده و از آلمان و در حقیقت از دادگاه شهر کلن تشکر کردند. سپس در سوئیس بیمارستانی ختنه را متوقف کرد، در اطریش چند بیمارستان ختنه را متوقف میکنند و رسانه های اروپایی و بویژه رسانه های آلمانی زبان بحثهای بسیار زیاد و جالبی را در این مورد پیش میبرند. روزانه در اکثر رسانه های مهم آلمان و یا حتی اروپا مطالب متعددی در این مورد منعکس میشود و بویژه رسانه های آلمانی دهها مطلب و گزارش و مصاحبه را در این مورد هر روز چاپ میکنند، متخصصین، جراحان، کیفشناسان، حقوقدانان و مدافعین حقوق کودکان، سکولارها و چهپای مدرن در یک صف از حقوق کودکان دفاع میکنند و در صف مقابل چند جریان اسلامی و یهودی با فصاحت و رسوایی و انزوا، از تعرض به تن کودک با استناد به آزادی مذهب و یا حق والدین دفاع میکنند و لام تا کام از کودکی که زیر تیغ جراح میروند و

امکان دفاع از خود را ندارد حرف نمیزنند. مسئول سازمانهای اسلامی در اطریش در یک مصاحبه میگوید: ختنه امری اسلامی است و دستور پیغمبر بوده و باید قانونی بماند!" خیلی ممنون همه مشکلات حل شد!"

ناگفته نماند که دولت و پارلمان آلمان به دلیل منافع اقتصادی و وجود روابط اقتصادی گسترده با دولتهای اسلامی و تهدید سرمایه داران یهودی که اگر ممنوعیت ختنه پسران اجرایی شود سرمایه هایشان را از آلمان بیرون میبرند و ... ناچار به عقب نشینی شد. اما جدال چنان سخت و پر قدرت بود که دولت نتوانست جبهه سکولارها و مدافعین حقوق کودک را ساکت کند و اخیراً از زبان وزارت دادگستری یک عقب نشینی نیم کلاج را از این طرفی از خود نشان داده است و گفته است این موضوعی پیچیده است باید وقت کافی برای روشن شدن ابعاد آن داشته باشیم و مردم و متخصصین وقت لازم دارند که ابعاد آنرا بررسی کنند.

چرا این واقعه مهم است؟

از نظر من این واقعه بسیار مهم است چرا که در مقابل چشم جامعه در یک جامعه مدرن و پیشرفته، همه می بینند که سازمانهای اسلامی و مذهبی از چه چیز دفاع میکنند و جامعه مدرن و مترقی چگونه و با چه قدرت و استدلالی در مقابل آنها می ایستد. اینجا از حقوق و حرمت کودکان در مقابل سازمانهای مذهبی دفاع میشود و نتیجه این درگیری به نفع میلیونها کودک تمام خواهد شد. اهمیت این مبارزه اینست که جامعه در یک ابعاد گسترده و میلیونی درگیر این بحث شده و به احتمال زیاد ما در این مبارزه پیروز خواهیم شد و ختنه در آلمان فعلاً حداقل برای دو سال متوقف خواهد شد تا قانون در این مورد در سطح عمومی تصمیم نهایی را بگیرد.

در شرایطی که در این سیستم دمکراسی پارلمانی امکان دخالت مستقیم مردم برای قانونگذاری وجود ندارد، این جدال و فشار اجتماعی

یکی از مکانیسمهای دخالت مردم و مدافعین حقوق انسانی است که میتوانند از آن استفاده کنند تا مانع اجرا و تثبیت قوانین ارتجاعی شوند. اما ختنه تنها مشکل ما نیست، حجاب و تدریس مذهب و دخالت اسلام و دیگر مذاهب در مدارس و در زندگی مردم یک موضوع مهم است

همه میدانند که در اروپا و در دنیا سازمانهای اسلامی و جنبش اسلامی میکوشد با زدن مدال نمایندگی میلیونها "مسلمان" به سینه خود زندگی همانها که ادعای نمایندگیشان را دارد و میلیونها نفر دیگر در در این جوامع را نیز سخت تر کند. این تقلایی از سوی جنبش اسلامی برای ایفای نقش در سیاست و اعمال نفوذ در زندگی مردم در قلب اروپا است. بطور مثال از ارتجاع و عقب ماندگی و شریعه و حجاب و مسجد و اسلام دفاع میکنند. این جنبش طبعاً با اتکا به مماشات و همراهی کلیسا و در مورد اخیر همراهی سازمانهای مذهبی یهودی و بویژه با اتکا به مماشات و همراهی دولتهای غربی سعی میکنند دامنه سیطره سیاه خود را گسترده تر کند.

جایگاه اپوزیسیون ایرانی در این جدالها!

در مقابل این دست اندازی سازمانهای اسلامی به زندگی مردم در غرب، متاسفانه بسیاری و در اینجا روی سخن من به اپوزیسیون یک حکومت فاشیست اسلامی مانند ایران است، سکوت کرده اند. دعوا بر سر حجاب کودکان در اروپا قدمتی بیست ساله دارد و علاقمندم بیان کار این اپوزیسیون را در این مورد ببینم. جدل بر سر ساختن مساجد، جدل بر سر تدریس مذهب در مدارس اروپا و تدریس مذهب اسلام، جدل بر سر سنگسار و قتل ناموسی و ... لیست طولانی است.

سوال اینست برای اپوزیسیون یک حکومت فاشیست اسلامی، حکومتی که دشتش تا هامبورگ و استکهلم و برزیل و کانادا .. دراز شده

صفحه ۴



اعتراض به تبعیض جنسی در المپیک ۲۰۱۲



موضوع عمده‌ای در جامعه نیست مسایل مهمتری مطرح هستند" مبارزه علیه اعدام را اگر چه با فشار ما تا حدی جدی گرفتند اما هنوز وظیفه آنها فقط این شده است که در سال یکی دو تا اعلامیه بدهند و خیال خود را راحت کنند که عذاب وجدان نداشته باشد. دلشان هم این بوده است که "جمهوری اسلامی هر روز اعدام میکند و باید اول رژیم را انداخت" و... با این استدلالها عملا اینها خود را در مقابل معضلات جاری در جامعه بی وظیفه کرده و شغلشان فقط تکرار اوارد اعتقادی خود بوده و کاری به مسایل سیاسی روز که جامعه را قطبی میکند ندارند. و سرمایه داری و مدافعان استعمار اتفاقا از همین سکوت و غیر سیاسی گری آنها بیشترین استفاده را کرده اند.

سوال من از این جریانات چیست ساکت و نظاره گر این است به چه کار مهمتری مشغولید؟ چه چیز برای شما حیاتی و مهم است؟ کدام یک از شما صاحب عرصه های مبارزه سیاسی روز و جاری در جامعه شده اید؟ مثلا مبارزه علیه اسلام سیاسی، علیه سنگسار، علیه حجاب، علیه اعدام، دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، دفاع از حقوق کودکان و هزار و یک موضوع دیگر که این جامعه را در چنگال خود گرفت و مردم دارند خفه میشوند شما کجای این مبارزات هستید؟ اگر تکرار اینکه جامعه سرمایه داری است و باید استعمار را بر انداخت کافی بود چه لزومی برای وجود کمونیستها و احزاب کمونیست بود؟ مارکس و قبل از مارکس هم

خیلیهای دیگر اینها را گفته اند. پس شماها برای چه سازمان و حزب درست کرده اید؟ جهت اطلاع شما همین پزشکان و روان پزشکان و حقوق دانان پا روی گلولی جنبش اسلامی گذاشته و در این زمینه کاملا برتری دارند و یک جنبش مهم را دارند به پیروزی نزدیک میکنند. شما چرا سکوت کرده اید؟ داوران همیشه ساکت تاریخ شغل جالبی نیست که شما برای خود انتخاب کرده اید. توصیه من به شما این است که از پنجره اطاق خود سر بیرون بیاورید و صحنه های این همه جدال سیاسی جدی را ببینید و حداقل تجربه بیاموزید.*

جدال اجتماعی علیه ختنه کودکان و ... از صفحه ۳

اینجا در مورد تاثیرات مخرب دخالت مذهب در زندگی مردم در قرن بیست و یک حرف میزنیم. اینجا در مورد دخالت جنبش اسلامی و اسلام سیاسی حرف میزنیم. آیا این مهم نیست؟ اگر مهم است سوال این است چرا جریانات چپ ایرانی قفل بر دهان زده و فقط نقش نظاره گر را ایفا میکند. آیا حزب کمونیست کارگری حق ندارد بگوید این جریانات سنتی چپ به دنیای دیگری تعلق دارند و در فضای دیگری بسر میبرند که ربط چندانی به زندگی بشر امروز ندارد؟

راستها را به این نبرد طبعا کاری نیست سازمانهای متعدد ملی اسلامی طرفداران اسلام و ختنه و حجاب و پوشیدگی اسلامی هستند، و سلطنت طلب و راست پرو غرب، در دنیای مالخولیایی خود زندگی میکند و فکر میکند در بی خبر نگه داشتن مردم و با سرکوب دولتهای موجود، آنها میتوانند یک دوره دیگر به حکومت بازگردند و شاهی باشد و مردم را به گله گوسفند تشبیه میکنند که چوپان لازم دارند.

این ها به گذشته تعلق دارند و در نبردهای اصلی مردمی که با اختاپوس حکومت اسلامی دست و پنجه نرم میکنند در عرصه مقابله با حجاب، مقابله با اعدام و سنگسار، مقابله با قتل ناموسی و این بار ختنه غایبند. اینها نمیدانند که دنیا جلو رفته و اتفاقا مردم ایران بدلیل نبردی روزمره با این حکومت وحشت اسلامی، در نبردهای روزمره آبدیده شده و ضد مذهب شده اند.

حرف من با چپها است کسانی که مدال چپ به سینه زده و بی خیال این مبارزه را نظاره میکنند و متاسفانه نه فقط اینرا بلکه مبارزه با قوانین شریعه در اروپا، مبارزه با حجاب کودکان و یا مبارزه باتدریس مذهب و اسلام در مدارس اروپا را با انگشتی بر دهان نظاره میکنند. نه تنها این سالها اینها گفته و تکرار کرده اند که حجاب در ایران مهم نیست "حقوق زن مهم است و این اسلامی مدافع سرمایه داری است و باید علیه امپریالیسم مبارزه کرد. این چپ تا کنون هیچ توجه جدی ای به مبارزه علیه سنگسار نداشته است و بهانه این بوده است که "مبارزه علیه سنگسار مهم نیست چون

است برای ساختن مسجد و یا جاسوسی و تحمیل حجاب بر سر کودکان دختر و زنان و... چه چیز مهمتر از این مبارزه و همراهی با سازمانهای مترقی اروپایی برای مقابله با این تقلا ها است؟ اینجا روی سخن مشخصا با جریانات چپ است. راستها تکلیفشان روشن است آنها با هر ارتجاعی خواهند ساخت که بتوانند به حاکمیت سیاه خود برسند و یا به آن ادامه بدهند. اما سوال این است جریانات چپ ایرانی چرا سکوت کرده و جسم بی روحشان همچنان نظاره گر این همه جدال اجتماعی است؟ جالب این است که در آلمان هم در این بحث معین بر سر ختنه هیچ سازمان دست راستی آلمانی نیز تا امروز حرفی نزده است.

الان در آلمان سازمانهای اسلامی کیش و مات شده اند چرا که در اینجا صرفا بحث بین آتیست ها و بی خدایان و حزب کمونیست کارگری و اکس مسلم و... با این جریانات ارتجاعی نیست. بحث بین یک صف اجتماعی وسیع و مدرن است که پزشکان و جراحان و مدافعین حقوق کودک و روانشناسان اکنون به آن جایی پا گذاشته اند که ما سالها بود برای آن میجنگیدیم.

ما تمام این صف مدرن و مترقی در این جدال با فاکت در مورد این خشونت حرف میزنیم و خوشبختانه بخش قابل توجهی از الیت جامعه در این مورد سکوت را شکسته و دارند حرف میزنند و از تهدیدات و شانتاژ های سازمانهای مذهبی و اسلامی الان دیگر نمیترسند. شاید بدلیل عوض شدن فضا و شاید بدلیل اینکه قبل از اینها تعدادی جنگیده و در مقابل تهدیدات پس نزده اند و سنگرهایی را فتح کرده اند. یکی از تاثیرات اقدام و فعالیت رادیکال ما علیه جریانات اسلامی همین بود که جامعه را هشیار کردیم و از نقش مخرب جریانات اسلامی گفتیم و فراخوان دادیم که بشریت مدرن باید در مقابل این توحش سنگر بنلی کند و از حقوق خود دفاع کند.

بنابراین بحث ختنه به همه ما مربوط است. اینجا در مورد دخالت مذهب در زندگی کودکان حرف میزنیم. اینجا در مورد حق کودک حرف میزنیم. اینجا جامعه موظف میشود از حق کودک در مقابل مذهب دفاع کند. در عین حال

رابطه با محکومیت کمیته بین المللی المپیک در رابطه با چشم پوشی کردن از تبعیض جنسی در المپیک علیه زنان در کشورهایمانند ایران و عربستان به چشم میخورد. در این اعتراض عکس برخی از زندانیان سیاسی زن در ایران نیز توجه عابریں را به خود جلب میکرد. این اعتراض توسط آسوشیتد پرس و رسانه های دیگر تحت پوشش قرار داده شد.

روز ۲۳ جولای ۲۰۱۲ مراسم جلسه افتتاحیه المپیک از سوی کمیته بین المللی برگزاری المپیک با شرکت سفیران دولتهای مختلف و وزرا و نخست وزیر انگلستان برگزار شد. در همین روز در اعتراض به تبعیض جنسی در المپیک اعتراضی در مقابل محل برگزاری این مراسم در ساختمان اپرا لندن برگزار شد.

این اعتراض به فراخوان بنیاد پیتر تاچل فعال سرشناس حقوق بشر فراخوان داده شده بود و از شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالین این کمیته دعوت شده بود که در این اعتراض شرکت نمایند. در این اعتراض پلاکاردهایی در

شیوا محبوبی

سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی

۲۴ جولای ۲۰۱۲

بازتاب هفته

آخرین تحولات سوریه در هفته ای که گذشت!



محمد شکوهی

در هفته ای که گذشت سوریه شاهد اوجگیری تازه ای در درگیریهای مخالفان و مردم با رژیم اسد بود. درگیریهای نظامی بعد از ماهها ادامه، اواخر هفته گذشته به دمشق رسید. در این میان نیروهای مخالف رژیم با حملات گسترده به دمشق، موفق شدند ۷ محله دمشق را برای چند روز در دست بگیرند. همزمان حملات گسترده مخالفان به شهر حلب پایتخت اقتصادی رژیم ادامه داشته و مخالفان موفق شده اند محلاتی از شهر را به کنترل خود بیاورند. رژیم اسد در طول ۶ روز گذشته وسیعترین حملات نظامی همراه با بمبارانهای هوایی به حلب را ادامه داده است. بر اساس آخرین اخبار و گزارشات منتشر شده بخش هایی از شهر حلب هنوز در دست مخالفان است.

در حول و حوش درگیریهای نظامی، بویژه با حملات مخالفان به دمشق، رژیم اسد برای اولین بار خطر سقوط نظامش را لمس کرد. حاکمیت سوریه که خطر را در بیخ گوش مرکز قدرتت احساس کرد، با همکاری مستقیم سپاه قدس جمهوری اسلامی و با تمرکز بیشترین نیروی نظامی در این شهر، موفق شد بعد از ۵ روز جنگ خیابانی کنترل دمشق را دوباره در دست بگیرد. در جریان درگیریهای چند روز گذشته دمشق بنا بر اخبار منتشر شده صدها نفر کشته شده اند. همزمان با تسلط ارتش سوریه بر دمشق، خانه گردیها و دستگیرهای گسترده در جریان می باشد. رژیم اسد بنا به گزارشها دهها و بعضا گفته میشود صدها نفر را به اتهام "اقدام نظامی برای براندازی رژیم" در دمشق اعدام کرده است. اخبار و گزارشات رسانه حاکمی از کشتار و وحشیانه مخالفان و مردم در دمشق می باشد. خود رژیم سوریه و خبرگزاری حکومتی اش خبر از

"تعیین کننده و مهم" خوانده و بر حمایت کامل جمهوری اسلامی از رژیم اسد تاکید کردند.

در واکنش به ادامه درگیریهای نظامی در سوریه و جنایات رژیم اسد در کشتار مخالفان، سازمان ملل و قدرت های بزرگ ضمن محکوم نمودن این کشتارها، خواهان پایان دادن به کشتارها شده اند. همزمان تحریمهای اتحادیه اروپا و آمریکا بر علیه رژیم اسد تشدید شده است. برخی از کشورهای اروپایی خبر از احتمال دخالت نظامی غرب برای پایان دادن به "بحران سوریه" داده اند. در این میان آمریکا اعلام کرده است که در صد کمک های "غیر مستقیم" به مخالفان است. در واکنش به این اخبار رژیم اسد اعلام کرده است که سلاح های شیمیایی اش را در صورت مداخله خارجی به کار خواهد گرفت. با اعلام این موضوع دولت سوریه، اسرائیل نیز اعلام کرده که احتمال حملات اسرائیل به مراکز حساس و انبارهای سلاح های شیمیایی و جو دارد. با طرح شدن موضوع سلاح های شیمیایی رژیم اسد و احتمال استفاده از آن در سرکوب مردم، کشورهای غربی و آمریکا شدیداً به رژیم سوریه هشدار داده اند. همزمان با این تحولات داخلی سوریه، خبرگزاریها از برگزاری نشستهای "اپوزیسیون سوریه" در برلین و قطر داده اند. نشست برلین با درمیان آمریکا و آلمان و با عنوان آمادگی برای دوران بعد از اسد" برگزار گردید. در خبر دیگری اعلام شده که "شورای ملی سوریه" موافقت خود را با طرح "راه حل یمنی" برای پایان دادن به بحران سوریه را اعلام کرده است. بر اساس این طرح اسد استعفا داده و معاون وی قدرت را با "اپوزیسیون" تقسیم کرده و زمینه های انتخابات برای شرکت همه گروههای مخالف در شکل دادن به ساختار سیاسی آینده سوریه را فراهم خواهد آورد. با اعلام این خبر نیروهای مخالف که درگیر جنگ با رژیم اسد می باشند، اعلام کرده اند که این طرح را قبول نداشته و به جنگ برای سرنگونی رژیم اسد ادامه خواهند داد. رژیم اسد تا کنون واکنشی به این طرح نشان نداده است. اینککه غرب، سازمان ملل، اتحادیه عرب و کشورهای منطقه چه سیاست و طرح و نقشه ای را برای پایان دادن به "بحران سوریه"

در دست تهیه داشته و دارند، فرقی در این واقعیت نمی کند که رژیم اسد به کشتار مخالفان و مردم ادامه داده و میدهد. در طول همین سه ماه گذشته غرب با طرح صلح عنان پا به جلو گذاشت. بعد از ماهها وعده و وعید های رژیم اسد، بالاخره رژیم موفق شد از این فرصت استفاده کرده و تا حدودی موقعیت خودش را در برابر مخالفان و اعتراضات مردم تقویت کرده و به سرکوبها ادامه بدهد. طرح صلح عنان و سازمان ملل عملاً شکست خورده است. تمام تقلاها و تلاش های دیپلماتیک غرب از کنفرانس ژنو گرفته تا نشست قاهره و تلاش برای کشاندن رژیم اسد پای مذاکره به شکست منجر شده است. مخالفت مخالفان رژیم اسد با طرح عنان و هر گونه مصالحه با رژیم اسد همزمان با ادامه اعتراضات مردم در چند ماه گذشته همه تلاش های غرب و سازمان ملل را به شکست کشانده است. بربریت و وحشیگری رژیم در سرکوب مبارزات و اعتراضات مردم در شهرها، باعث شده که دیگر اعتراضاتی وسیع و صدها هزار نفری شکل نگیرد. با اتخاذ سیاست

محاصره شهرها و گلوله باران شهرها آوردن مردم به خیابانها دیگر ممکن نبود. روند تحولات و ادامه درگیریهای هفته گذشته نشان میدهد که توازن قوای نظامی بین رژیم اسد و مخالفان، فعلاً به نفع رژیم می باشد. رژیم اسد با همکاری مستقیم جمهوری اسلامی موفق شد دمشق را از دست مخالفان و مردم در بیاورد. رژیم اسد ادعا می کند که اوضاع دمشق "عادی" شده. اما جنگ و درگیری برخلاف ادعاهای رژیم اسد، تقریباً در سراسر سوریه ادامه دارد. احتمال دخالت نظامی غرب و بخشا کمک به نیروهای مخالف رژیم اسد منتفی نیست. برخی دولتها مثل ترکیه دستجات وابسته به خود را عملاً سازمان داده و در اوضاع دخالت دارند. روند اوضاع و تحولات سوریه با نیروهای دخیل در آن و تلاش هایشان و... هر مسیری که به خود بگیرد، در این واقعیت فرقی نخواهد داد مردم سوریه مصمم بوده و هستند که رژیم اسد باید برود، عمر رژیم اسد به سر آمده است. نجات رژیم اسد دیگر ممکن نخواهد بود. *

اسپانیا: ادامه اعتراضها به طرح ریاضت اقتصادی

برنامه های موسوم به ریاضت اقتصادی باعث برانگیخته شدن خشم تعداد زیادی از معترضان و کشیده شدن دامنه اعتراضها به سطح خیابانهای شهر مادرید، پایتخت اسپانیا، شده است. به گزارش یورونیوز درگیریها زمانی شدت یافت که جمعیت معترض علیه طرح کاهش دستمزدها و افزایش مالیاتها به تظاهرات خیابانی پرداختند. گفته می شود که پلیس اسپانیا با یک نفر از تظاهرکنندگان برخورد خشونت آمیز داشته و این شخص را مورد ضرب و شتم شدید قرار داده است. یکی از تظاهرکنندگان در مادرید گفته است که "فردی که مورد بازداشت نیروهای پلیس قرار گرفت توسط یکی از افسران پلیس ضد شورش به شدت کتک خورد و افسر پلیس با مشت های خود به صورت وی می کوبید." در همین حال و در شرایطی که طرح ریاضت اقتصادی بیشترین فشار را بر روی اقلیت کارگر و متوسط جامعه وارد کرده، دولت محافظه کار کنونی اسپانیا هدف حملات انتقادی فزاینده ای قرار گرفته است.

هدف از اجرایی کردن بسته جدید کاهش هزینه ها توسط دولت، جبران ۶۵ میلیارد یورو از مجموع کسری بودجه ای است که اسپانیا در حال حاضر با آن مواجه است؛ گفته می شود که این میزان صرفه جویی بالاترین میزان از این دست اقدامات در طول تاریخ معاصر اسپانیا بوده است. روند کنونی امور هم اکنون کشور اسپانیا را با رکود اقتصادی و نرخ بیکاری تقریبی ۲۵ درصدی مواجه ساخته است که موجب شد دولت این کشور روز جمعه، سیزدهم ماه ژوئیه، به طرح مناقشه برانگیز صرفه جویی اقتصادی رأی مثبت داد. در عین حال، لویس دوگنوس، وزیر اقتصاد اسپانیا، اعلام کرده است که "اگر اوضاع مالی کشور به شرایط ناپایداری برسد، رکود کنونی به وضعیتی بسیار بدتر از حال حاضر خواهد رسید." قرار است افزایش مالیاتها در اسپانیا از ماه سپتامبر اجرایی شود و دیگر اصلاحات نیز به پایان سال جاری میلادی موکول شده اند.

بازتاب هفته

طرح امنیت اجتماعی و اعتراض مردم

شهلا دانشفر

یک خبر مهم در این هفته مقاومت و اعتراض مردم در برابر اوباش جمهوری اسلامی در دو منطقه آریا شهر تهران و در رشت است. بنا بر خبر روز ۱ مرداد هنگامیکه نیروی انتظامی رژیم در آریا شهر تهران در ضلع شمالی و مقابل پارک و امتداد بلوار اشرفی

اصفهان به زنی تحت عنوان بدحجابی تعرض می‌کنند، با مقابله چند صد نفر از مردم و اعتراض آنان روبرو میشوند. جوانان و مردم معترض در محل مانع دستگیری این زن شدند. نمونه دیگری از چنین اعتراضی در همین هفته در خیابان مطهری شهر رشت روی داد. در این حرکت اعتراضی هنگامی که ماشین گشت ارشاد جمهوری اسلامی یک مادر و دختر را متوقف کرده و می‌خواستند دختر را به خاطر "بدحجابی" دستگیر کنند، با

اعتراض مادر وی روبرو شدند. این مادر در پاسخ به سرکوبگران جمهوری اسلامی اعلام کرد که باید از جنازه من رد شوید برای اینکه دخترم را ببرید. هنگامیکه مامورین با باتوم خواستند او را کنار بزنند، یکباره با هو کردن مردم محل روبرو شدند و در لحظاتی کوتاه جمعیتی چند صد نفره جمع شدند و محل به صحنه اعتراض مردم تبدیل شد. مامورین حکومت جرات نکردند دختر را دستگیر کنند. این اتفاقات را اگر در کنار تظاهرات گسترده مردم نیشابور علیه فقر و فلاکت بگذاریم به روشنی فضای اعتراضی امروز

جامعه را می‌توان متوجه شد. طرح امنیت اجتماعی رژیم و تعرض به زنان تحت عنوان مبارزه با "بدحجابی" یک شوگرد شناخته شده جمهوری اسلامی برای ایجاد فضای سرکوب در جامعه است. همانطور که بارها تاکید داشته ایم، حجاب پرچم رژیم اسلامی است و وضعیت حجاب و عقب رفتن هر روزه آن میزانی برای سنجش پیشروی جنبش اعتراضی مردم علیه تبعیض جنسیتی و قوانین ارتجاعی اسلامی است. جمهوری اسلامی هرگاه که خواسته مبارزات مردم در سطح جامعه را به عقب براند، تحت عنوان مبارزه با بدحجابی اوباش حزب الله

اخباری از اعتراضات کارگری در ایران

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر

عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان شوشتر گفت: صبح روز سه شنبه ۲۷ تیر، جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی شهرستان شوشتر به نمایندگی از ۱۲ هزار بازنشسته این شهرستان در اعتراض به عدم افزایش حقوقشان بعد از گذشت ۴ ماه از سال در مقابل کانون بازنشستگان این شهر تجمع کردند. آنان خواستار افزایش حقوق خود بر اساس نرخ تورم و اجرای قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان شدند. او همچنین گفت که این بازنشستگان به عدم افزایش حقوقهای خود در سال ۹۱ نیز اعتراض دارند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پیچ و مهره کامکان سیرجان

به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس روز شنبه ۳۱ تیرماه، کارگران اخراجی کارخانه پیچ و مهره کامکان در اعتراض به اخراج خود مقابل فرمانداری رژیم در شهر سیرجان تجمع کردند. این خبرگزاری می نویسد: احتمال اخراج ۱۵۰ کارگر باقیمانده این کارخانه به دلیل بحران دامنگیر آن نیز بسیار محتمل است. این کارگران در حالی از کار اخراج شده اند که برخی از آنان دارای ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار هستند.

تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه آبادان

ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه ۲۲ تیرماه، جمعی از کارگران بخش خدمات اداری پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و دستمزد خود در مقابل دفتر مرکزی این پالایشگاه تجمع نموده و خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند. این تجمع اعتراضی به مدت دو ساعت ادامه داشت.

تجمع مریبان پیش دبستانی در اعتراض به تمدید نشدن قراردادشان

به گزارش ۱۸ مرداد ایسنا تعدادی از مریبان پیش دبستانی در اعتراض به بیکار شدن و تمدید نشدن قراردادشان در سال جاری در مقابل مجلس تجمع کردند. این گزارش حاکیست تعدادی از مریبان پیش دبستانی از شهرهای مختلف با تجمع در مقابل مجلس از نمایندگان خواستند تا نسبت به تعیین تکلیف تمدید قرارداد آنها در سال جاری اقدامات لازم را انجام دهند یکی از این مریبان گفت: بعد از اضافه شدن سال ششم به دبستان، حدود ۲۵ هزار نفر از مریبان پیش دبستانی به دلیل نبود ظرفیت بیکار شدند و قراردادهای آنها در سال جاری تمدید نشد. وی افزود: به ما گفته اند که در بخش غیردولتی فعالیت کنیم. این در حالی است که در روستاها مردم

حاضر به ثبت نام فرزندانشان در مدارس غیرانتفاعی و غیردولتی نیستند. این شرایط تنها باعث شده که تعداد بسیاری از معلمان بیکار شوند.

تجمع اعتراضی فارغ التحصیلان تربیت معلم مقابل مجلس

به گزارش ۱۸ مرداد فارس، تعدادی از فارغ التحصیلان دانشگاه تربیت معلم صبح امروز مقابل مجلس تجمع کردند. برپایه این گزارش یکی از تجمع کنندگان گفت: که قرار بود بعد از اتمام دوره دانشگاه ما را در آموزش و پرورش استخدام کنند ولی در حال حاضر که بیش از دو سال از فارغ التحصیلی ما می‌گذرد، هنوز مسئولان اقدامی در این رابطه انجام ندادند. وی با بیان اینکه تجمع کنندگان امروز از سراسر کشور مقابل مجلس آمده‌اند، افزود: از نمایندگان دوره نهم مجلس می‌خواهیم که مسئله اشتغال فارغ التحصیلان تربیت معلم را پیگیری کند.

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر

جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر در اعتراض به عدم افزایش مستمری‌شان در سال ۹۱ در مقابل کانون بازنشستگان این شهرستان تجمع کردند. عضو هیئت

حکومت شورایی

دوران معاصر بیش از هر زمان بی حقوقی واقعی مردم و ظاهری بودن دخالت آنها در امر حکومت در دموکراسی‌های لیبرالی و پارلمانی را به نمایش گذاشته است. جامعه‌ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در دولت و در تصویب و اجرای قوانین و سیاستها تضمین کند، نمیتواند بر پارلمان و سیستم دموکراسی نیابتی استوار باشد. اعمال حاکمیت در سطوح مختلف، از سطح محلی تا سراسری باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود که همه هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالیترین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود. هر فرد بالای ۱۶ سال عضو صاحب رای شورای محلی خود محسوب میشود و حق دارد خود را برای کلیه مقامات و پست های شورای محلی و یا نمایندگی در شوراهای بالاتر کاندید نماید.

(برگرفته از برنامه "یک دنیای بهتر")

مدیره کانون بازنشستگان شوشتر با اعلام این خبر به ایلنا گفت: صبح امروز - سه شنبه ۲۷ تیرماه - حدود ۵۰ نفر از بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی شهرستان شوشتر به نمایندگی از ۱۲ هزار بازنشسته این شهرستان در اعتراض به عدم افزایش حقوقشان بعد از گذشت چهار ماه از سال در مقابل کانون بازنشستگان این شهر تجمع کردند. حسین حبیب پور با بیان اینکه این معترضین خواستار افزایش حقوق خود بر اساس نرخ

تورم هستند اضافه کرد: همچنین بازنشستگان خواستار اجرای قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان و اجرای سایر قوانین مغفول مانده حمایتی شدند. او با تاکید بر اینکه روز به روز شرایط معیشتی بازنشستگان سختتر می‌شود ادامه داد: بازنشستگان خواستار پرداخت معوقات حقوقی بازنشستگی خود از ابتدای سال بوده و نسبت به نحوه محاسبات افزایش حقوق خود نیز اعتراض دارند.

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K , Box: 2110 , 127 02 Skärholmen - Sweden

زنده باد سوسیالیسم!



در ایران کمونیسم بسیار قوی است. اگر جنبش وسیعی علیه اعدام در ایران شکل گرفته است بدون وجود جنبش علیه اعدام و حزب کمونیست کارگری و مینا احدی و کمیون هائی که در طول این سه دهه سازماندهی شده و از جمله تریبونالی که اخیراً برگزار شده، لاقابل در این ابعاد شکل نمیگرفت. طبعاً ابعاد کمونیسم بسیار وسیعتر از حزب کمونیست کارگری است. یک جنبش رادیکال دیگر در ایران جنبش عظیم ضد مذهبی است. مینا به مساله شاهین نجفی اشاره کرد. قضیه ای که با آهنگ شاهین نجفی ایجاد شد، نوك كود يك جنبش عظیم در ایران بود. در واقع جامعه نیاز داشت که چنین اتفاقی بیفتد تا فوراً پشتش بسیج شود. ولی اپوزیسیون با بیحالی و با يك هفته دو هفته تاخیر اطلاعاتیه هائی برای خالی نبودن عریضه صادر کرد. خود این محصول فشار چپ جامعه، نسل جوان و حزب کمونیست کارگری بود. حتی بی بی سی و "وی او ای" هم که روز اول از مردم سوال میکردند که این ترانه توهین بود یا نه، این موضع چهار روز بیشتر طول نکشید و رفتند بحث آزادی بیان گذاشتند و اینکه میتوان مذهب را هم نقد کرد. فوراً بحث رفت جای دیگر. امثال گنجی را آوردند و گنجی هم مجبور شد بگوید توهین به مذهب خوب نیست اما مردم باید آزاد باشند. این فشار چپ و کمونیسم در جامعه است. حزبی هست که به مبارزه مردم هويت میدهد، تئوری میدهد، از آنها دفاع میکند و به آنها حق به جانبی میدهد، میگوید کارتان درست بود، مثال های تاریخی میاورد و به مردم اعتماد بنفس میدهد. خود این نمونه ای بود

که چرا اینطور شکست میخورد و دلیل پایه ای آن چیست.

اصلاح طلبان هم که بخشی از خود حکومت بوده اند. یا خواهان بازگشت به دوران خمینی بوده اند یا حداکثر رفتن خامنه ای و ولایت فقیه و نگهداشتن بسیج و سپاه و وزارت اطلاعات و کل ارگانهای جنایت رژیم که خیلی هم وسیع و گسترده اند. اینها تنها جریانی از راست هستند که مهر خودشان را بر تحولات سیاسی در ایران زده اند و در تحولات سیاسی البته برای حفظ رژیم نقش داشته اند. اینها هم در همان دوره خاتمی شکست خوردند و دارند تجزیه میشوند. چند سالی برای رژیم وقت خریدند و رفتند.

اما اپوزیسیون راست از نظر استراتژیک هم در بحران است. کل بحث رژیم چنچ این بود که فکر میکردند بعد از عراق آمریکا جنگش را به ایران هم گسترش میدهد و جمهوری اسلامی را سرنگون میکند و قدرت را دو دستی تحویل امثال رضا پهلوی میدهد. این سناریو هم با شکست در عراق، در مقابل اپوزیسیون راست کور شد. یک بحث دیگر مساله حقوق بشر و دمکراسی است که از این نظر هم اوضاع بشدت عوض شده است. از سال ۲۰۰۸ به اینور غرب در بحران اقتصادی عمیقی فرورفته است. طرح های ریاضت اقتصادی که احمدی نژاد در ایران دارد پیاده میکنند در کشورهای غربی هم در جریان است. جنبش های اعتراضی وسیعی در این کشورها دارد شکل میگیرد و مردم به نداشتن آینده، نداشتن کار و اینکه هیچ حقی در هیچ گوشه ای از تصمیم گیری ها ندارند اعتراض میکنند.

بنابراین این الگو هم برای اپوزیسیون راست که گویا ما سر کار میائیم و غرب و آمریکا هم با ما است و سرمایه گذاری میشود و گشایشی ایجاد میشود، از بین رفت. خود غرب در بحران است و معلوم نیست کی از بحران خارج میشود. دولت های نزدیک به غرب مثل مصر و تونس هم که وضعشان بحرانی شد، مردم علیه شان انقلاب کردند و سرنگونشان کردند. این الگو هم امروز دورنمای جالبی برای اپوزیسیون راست در ایران ندارد.

علت بنیادی این بحران قبل از هر چیزی وضعیت جامعه ایران است.

نتیجه بگیریم که اینها بحران دارند. خواستم با چند مثال گوشه ای از موقعیت و بی افقی اینها، بی شخصیتی و بی چهره بودن اینها را توضیح بدهم. نمونه دیگر قضیه ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک در ماههای گذشته بود. احمدی نژاد این مساله را علم کرد، نه بحثی بود، نه جنگی بود نه نزاعی درگرفته بود، فیلی احمدی نژاد هوا کرد و بخش زیادی از این اپوزیسیون راست به دامش افتاد و شروع کرد کمپین گذاشتن، پتیششن جمع کردن و تبلیغات کردن که بله ابوموسی و تنب ها بخشی از خاک مقدس ایران است. در واقع احمدی نژاد اینها را روی دست خود چرخاند. نمونه دیگر مربوط به موقعی است که بحث جنگ داغ شده بود و داریوش همایون، یکی از چهره های سرشناس راست، اعلام کرد اگر جنگی شروع شود ما در کنار جمهوری اسلامی می ایستیم. اینها نمونه های متاخر بود قبل تر از آنها موقعی که خاتمی سر کار آمد عده زیادی از این اپوزیسیون کفش و کلاه کردند بروند ایران در رکاب پرزیدنت خاتمی و در سفره ای که ایشان پهن کرده بود شریک شوند. رضا پهلوی به ایشان پیام تبریک داد و تخم و ترکه های اپوزیسیون راست قند در دلشان آب شد که خاتمی میخواهد اصلاحات کند و جای ما هم باز میشود و حزب کمونیست کارگری را هم که در مقابل رئیس جمهور جدید حکومت ایستاده بود دیکتاتور و سرکوبگر خطاب کردند. این کارنامه راست در ده پانزده سال گذشته است. و از این نمونه ها تا دلتان بخواهد زیاد است.

حالا برگردیم به تاکتیک های سیاسی اینها در این ده پانزده سال. رفاندم، اصلاح قانون اساسی و رژیم چنچ و... تاکتیک های اینها در این دوره بوده است. همه دود شد و به هوا رفت. در واقع فشار واقعیات آنها را محو کرد. مشتکی طرح پوچ، یارو چون انقلاب نمیخواهد، نمیخواهد مردم به خیابان بیایند و از پائین تعیین تکلیف اساسی صورت بگیرد، روی میاورد به "انحلال و براندازی" و رژیم چنچ که شاید آمریکا جنگی راه بیندازد و ما به قدرت برسیم، تا مبادا انقلاب مطرح شود و تغییرات اساسی در این مملکت اتفاق بیفتد. بعداً به علت این شکست ها میرسم

کارنامه اپوزیسیون راست در ایران... از صفحه ۱

واشنگتن برگزار شد که بجای مباحث و مثلاً دستاوردهای آن، گفته شد که رفسنجانی اسپانسر آن بوده و این کنفرانس هم سرنوشت بدتری از کنفرانس استکهلم پیدا کرد. کسی فهمید چه میخواستند و چه پلانترمی دنبال میکردند، برای سرنگونی جمهوری اسلامی چه نقشه ای دارند و قرار است چه گلی به سر مردم بزنند؟ نمونه دیگر میزگردهای میبیدی بود که آنجا هم بحث درمورد آلترناتیو بود و تعداد نه چندان کمی از این چهره های اپوزیسیون راست حضور داشتند. البته مینا احدی را هم دعوت کرده بودند. در اینجا بحث "انحلال" جمهوری اسلامی بود، گویا قرار است در دادگاهی یا محضری فرمان انحلال جمهوری اسلامی را صادر کنند! یا بحث براندازی بود، که مبادا با سرنگونی و حضور مردم تداومی شود، و مینا در جلسات مختلف فشارشان داد که یک کلمه درآیند بگویند اعدام نمیخواهیم، زن نباید بیحقوق باشد. یک کلمه از دهان هیچکدامشان خارج نشد. نوری علا که شاید اصلی ترین چهره شاخص این میزگردها بود گفت بعداً یعنی بعد از این انحلال! یا براندازی! این رژیم اعدام به رای مردم باید گذاشته شود تا ببینیم اعدام میخواهند یا نه! یکی شان نگفت که آزادی باید بی قید و شرط باشد، یک نفرشان نگفت که زن و مرد باید برابر باشند، یک کلمه هیچکدامشان حتی از یک خواست رفاهی برای مردمی که دارند زیر فقر له میشوند نگفت. اینها نمایندگان از طیف های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران از سلطنت طلب و لیبرال و جمهوریخواه و نیمچه ملی اسلامی های اپوزیسیون شده و قوم پرست های کرد و غیره بودند. میخواهند آلترناتیو باشند اما یک صفحه پلانترم نمیتوانند اعلام کنند. یکی نفهمید اینها درمورد سرنگونی حکومت چه میگویند، اصلاً میخواهند سرنگون کنند یا نه، انحلال و براندازی که میگویند یعنی چه، چه برنامه ای برای آن دارند، چه راهی مقابل مردم میگذارند که اگر کسی خواست اینها را انتخاب کند بداند قرار است فردا چکار بکنند و چه برای مردم دارند.

نمیخواهم فقط با این فاکتها

سنگرهای که فتح کرده ایم و چیزهایی که تثبیت شده در جامعه. منمهم میخوام از کارنامه اپوزیسیون راست بگویم. در این مورد هم میشود تا فردا درمورد اپوزیسیون راست و بورژوازی صحبت کرد البته از نقش منفی اش، از شکست ها و استیصالش، از همکاری اش با جمهوری اسلامی و طرح ها و تاکتیک های مخربش.

صورت مساله واقعی امروز در ایران این است که جمهوری اسلامی سالها است در بحران است و این بحران هر روز عمق و ابعاد بیشتری پیدا میکند و به این معنی در قدرت سیاسی باز است. مثل آلمان و فرانسه و آمریکا نیست. در این کشورها اعتراض و ناراضیتهای کم نیست و بحران اقتصادی عمیقی هم دارند اما مساله قدرت سیاسی باز نیست. بحران سرنگونی ندارند این دولت ها. برای سرنگونی باید شرایطی ایجاد شود، اتفاقاتی بیفتد تا مساله سرنگونی یا انقلاب و قدرت سیاسی به جلو صحنه بیاید. در ایران اما برعکس، بحث ماندن و ماندن حکومت است، بحث انقلاب و سرنگونی مهمترین فاکتور اوضاع امروز است و اپوزیسیونی که صریحاً نگوید سرنگونی فوراً بی آبرو میشود و به تشمت و بحران کشیده میشود و به حاشیه سیاست رانده میشود. ببینیم موقعیت اپوزیسیون راست چگونه است؟ چه کارنامه ای و چه دورنمایی دارد؟ و سوال دیگر اینکه آیا کمونیسم شانس برای پیروزی و کسب قدرت سیاسی در ایران دارد؟ بحث امروز من اساساً مربوط به موقعیت راست است. اجازه بدهید

بحثم را با چند مشاهده شروع کنم: درمورد کنفرانس اولاف پالمه در استکهلم حتما شنیده اید. عده ای ناشناس را جمع کردند در یک اتاق درسته، حتی جرات نکردند اسامی شان را بگویند، به بهانه اینکه بعضی شان از ایران آمده اند و مشکل امنیت دارند اما چی گفتند، هدفشان چه بود، چه میخواهند برای مردم، پلانترمشان چه بود؟ کسی از اینها سر در نیاورد. رسانه های زیادی پشت اینها بودند اما یک صفحه از اهداف و پلانترم اینها جانی منتشر نشد. بدنبال آن کنفرانس مشابهی در



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۷۳۹۸۱۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

دائما از طرف چپ جامعه تحت فشار است. این موقعیت جریانات راست است.

به این فاکتورها همانطور که اشاره کردم باید انقلابات منطقه و جنبش ۹۹ درصد را هم اضافه کنید تا بحران و بی افقی جریانات راست بیشتر نمایان شود.

فکر میکنم وقت من خیلی وقت است تمام شده، پس اجازه بدهید دو سوال را اینجا مطرح کنم و جوابش را به بخش پرسش و پاسخ موکول کنم. سوال من این است که با توجه به همه اینها آیا کمونیسم شانس گرفتن قدرت را دارد؟ اینکه سابقه و تاریخ خوبی دارد و در جنبش های حق طلبانه دست بالا دارد، و اینکه راست در بحران است آیا معنی اش این است که کمونیسم و مشخصا حزب کمونیست کارگری به آلترناتیو سیاسی جامعه تبدیل شده است؟ آیا این موقعیت در جنبش ها به معنی کسب هژمونی سیاسی در جامعه است؟ یعنی جامعه در بعدی توده ای این مسیر را انتخاب کرده است؟ بنظر من، نه اینطور است و نه پیروزی یعنی کسب قدرت سیاسی توسط کمونیست ها را میتوان تضمین کرد. این میتواند محصول جنگی باشد یا جنگ هائی باشد که در پیش داریم.

جامعه باید حزبی را ببیند که همه جا مقابل جمهوری اسلامی به عنوان یک نیروی موثر و قدرتمند و دارای ظرفیت رهبری ایستاده است، حزبی را ببینند که طرح های راست را شکست داده، ملی اسلامی ها را شکست داده، یعنی مردم شکست اینها را از چشم آن حزب ببینند. در قدرت سیاسی باز است، راست در بحران است، کمونیسم نیروی قوی در جامعه است، جنبش های قدرتمند با موضع چپ و حق طلبانه ای در جامعه وجود دارد و جامعه بدرجات توسط کمونیست ها شخم خورده است اما اینها تنها زمینه هائی برای پیشروی و کسب قدرت سیاسی است. امیدوارم در قسمت دوم این جلسه روی این جنبه ها بیشتر صحبت کنیم.

(این متن بر اساس سخنرانی در یک جلسه گفت و شنود در ماه ژوئن در کلن آلمان تنظیم شده است.)

کارنامه اپوزیسیون راست در ایران... از صفحه ۷

کمونیست کارگری هنوز حزب کوچکی به نظر بیاید اما موقعی که روی حقانیتی در جامعه حرکت میکند و روی خواست های قلبی مردم انگشت میگذارد، نیرو و قدرت با خودش میآورد و مختصات سیاسی جامعه را تغییر میدهد. موقعیت امروز ایران مثل مصر نیست، کاری که مردم در آنجا میکنند سی سال پیش در ایران انجام شد. به این معنی تجربه تاریخی مردم ایران از مردم مصر سی سال جلوتر است. کجای دنیا مصر، تونس، سوریه، لیبی، آمریکا، آلمان کجا سراغ دارید که جریان کمونیستی در چنین موقعیتی باشد و ولیعهد یا عضوی از خانواده سلطنتی سابق که قرار است سیاست های بانک جهانی و راست ترین سیاست ها را بیاورد، از هشت مارس دفاع کند و به مناسبت اول مه اعلامیه بدهد و زیر فشار عضو دفتر سیاسی یک حزب کمونیست کارگری علیه فتوای قتل شاهین نجفی بیانه بدهد؟ کمونیسم در ایران قوی است. کمونیسم یعنی این رگه ای که ما آنرا نمایندگی میکنیم کار کرده و مهر خودش را به جامعه زده است.

در یک کلام هرچه کارنامه راست را نگاه میکنی پر از شکست و سرخوردگی، پر از در یوزگی نسبت به جمهوری اسلامی و پر از بی شخصیتی و حقارت است. راست مجبور است برود حول ابوموسی و جنگ و کورش و امثالهم مرتب بحث کند و خودش را به جامعه با این چیزها معرفی کند و بخاطر همین مجبور است حتی پشت احمدی نژاد برود. این هویت راست است. و اگر اینجا و آنجا مجبور میشود از مطالبات حق طلبانه ای هم با لکنت زبان حرف بزند زیر فشار کمونیسم دارد اینکار را میکند. ولی نمیتواند زیادی دست و دل باز باشد و حتی مثلا چند خواست از ده خواست حداقل حزب کمونیست کارگری علیه اعدام و حکومت مذهبی و بی حقوقی زن و محاکمه سران و غیره را قبول کند. اگر بخواهد این مطالبات را به بخشی از پلاتفرم خود تبدیل کند عملا زیر پرچم حزب کمونیست کارگری رفته است و اگر قبول نکند

که بحث آزادی بی قید و شرط آزادی بیان را بسیار اجتماعی کرد. جمهوری اسلامی هم هیچ کاری نتوانست بکند. آیت اله ها فتوا دادند و دولت گفت از طریق قانونی اقدام میکنیم اما هیچ کاری نتوانست بکند و معلوم بود که نمیتواند کاری بکند.

یک جنبش قدرتمند دیگر، جنبش علیه بیحقوقی زنان و مشخصا حجاب اسلامی است. الان تابستان است و بگیر و ببندها هم ده برابر شده است. رادان گفته اگر ۲۵ ارگان با هم همکاری کنند ظرف دو سال مشکل حجاب حل میشود! اما حتی همین ارگان ها هم با هم همکاری نمیکند چون میدانند که حریف میشوند و شکست میخورند. میگویند احمدی نژاد مساله اش حجاب نیست و واقعا هم مثل اینکه زیاد مساله اش نیست. علت این است که زنان واقعا رژیم را به ستوه آورده اند، آنرا به زانو درآورده اند. کجای دنیا چنین جنبش حق طلبانه ای با این وسعت و قدرت میتوانید پیدا کنید؟

و این جنبش ها احتیاج دارند که در سطح سیاسی نمایندگی شوند. باید حزبی این حرکت ها را به پلاتفرم سیاسی تبدیل کند، در مجامع جهانی و در سطح بین المللی نمایندگی کند، در تقابل با حکومت نمایندگی کند، به آن جهت بدهد و در این صورت است که به صورت بخشی از چالش سیاسی برای انداختن حکومت و اهرم کسب قدرت سیاسی تبدیل میشود. و خوشبختانه این حزب در صحنه سیاسی ایران هست. اگر فرح پهلوی به مناسبت هشت مارس که روز کمونیست ها است بیانه میدهد، یا رضا پهلوی علیه اعدام و برابری کامل زن و مرد و سکولاریسم دفاع میکند، اگر وی او ای با فعالین کارگری گاهها مصاحبه میکند، روشن است که اینها همه ناشی از فشار چپ و کمونیسم در جامعه است، ناشی از فشار حزب کمونیست کارگری است که آنها را وادار به این اقدامات میکند. در مورد شاهین نجفی هم فهمیدند حال به هر درجه از آزادی نقد مذهب و آزادی بیان دفاع نکنند کلاشان پس معرکه است. ممکن است حزب

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

مذاکرات اتمی و بن بست ...

از صفحه ۱



کازم نیکخواه

میتواند برای حکومت بسیار تعیین کننده و خطرناک شود و پیامدهای دیگری را نیز در پی داشته باشد. سخنان روز سه شنبه خامنه ای در جمع "مسئولان حکومتی" در واقع تلاش و تقیایی است برای مقابله با همین وضعیت یعنی یکدست کردن صفوف حکومتیان، و عقب راندن تردیدها و زمزمه های عقب نشینی در برابر غرب. خامنه ای میگوید اگر ما یک قدم عقب بنشینیم دشمن بازهم بیشتر پیشروی خواهد کرد. او میگوید آنها مساله شان فقط سلاح اتمی نیست بلکه کل موجودیت حکومت را نشانه رفته اند. او به جناحها و باندهای رقیب نظیر دوزخادیهایی سابق نیز نیشی میزند و آنها را خواهان عقب نشینی در برابر غرب تصویر میکنند. او همچنین به معضلات اقتصادی دولتهای غربی اشاره میکند و در عین حال اعتراف میکند که جمهوری اسلامی نیز مشکلات جدی ای دارد گرچه قابل رفع و رجوع است.

حقیقت اینست که برخلاف گفته های خامنه ای شکست مذاکرات اتمی برای جمهوری اسلامی میتواند عواقب بسیار وخیمی داشته باشد. جمهوری اسلامی در شرایط یک ورشکستگی کامل اقتصادی و فضای ملتهب داخلی به این مذاکرات پا گذاشت. هنگام شروع این مذاکرات دولت احمدی نژاد علائم و نشانه هایی از خود نشان داد که حاضر است در زمینه اتمی عقب نشینی هایی را قبول کند تا تحریمها کنار زده شود. حتی یکی از معاونین احمدی نژاد گفته بود که ما حاضریم اورانیوم غنی شده تحویل بگیریم و ساترینوفوژهایمان را تعطیل کنیم. اکنون خامنه ای دارد اعتراف میکند که چنین عقب نشینی ای برای حکومت امکان پذیر نیست. این آن چیزی است که ما از همان ابتدا بر آن تاکید کرده بودیم و از همان ابتدا گفته بودیم که شکست این مذاکرات حتمی است. البته این واقعیتی است که آمریکا و دول غربی نیز دچار بحرانند و معضلات

جدی ای دارند و دست و بالشان در این کشاکش به هیچ وجه باز نیست. به همین دلیل این وضعیت میتواند سالهای سال ادامه یابد.

وقتی خامنه ای میگوید اگر ما عقب نشینی کنیم دشمن بیشتر پیشروی میکند، در واقع دارد اعتراف میکند که این حکومت راه پس و پیش ندارد. بن بست حکومت فقط این نیست که در برابر دولتها یا در مذاکرات اتمی ناتوان است. بلکه در برابر مردم سرنگونی طلب است که این حکومت جایی برای عقب نشینی مقابل خویش نمی بیند. در برابر مردمی که از گرسنگی و فقر و سرکوب به تنگ آمده اند و میدانند که راه دست یابی شان به حداقل شرایط زندگی انسانی سرنگونی حکومت منفور اسلامی است، این حکومت جای تکان خوردن ندارد. هر شکست و عقب نشینی آن میتواند روزنه ای برای اعتراضات گسترده تر را بگشاید. و خامنه ای همین واقعیت را به عیان مقابل چشم خویش میبیند. میتوان با قطعیت گفت که بن بست مساله اتمی از اینجا سرچشمه میگردد. صفوف این حکومت بشدت در هم ریخته است. همه میدانند که باند خامنه ای و احمدی نژاد و رفسنجانی و گروههای مختلف قدرت، هرچند هم موقتا به درجه ای ساکت شده اند، تا چه حد به خون یکدیگر تشنه اند. و حتی علیرغم عتاب و خطابه های خامنه ای هرروز اختلافاتشان از جایی بیرون میزند. به عبارت دیگر انزوای وسیع بین المللی، بن بست و در هم ریختگی اقتصادی، نزاعهای باندهای متعدد حکومتی، بر متن موج وسیع سرنگونی طلبی در میان مردم، جمهوری اسلامی را در بن بست کامل قرار داده است. و این آن وضعیتی است که خامنه ای سعی میکند آنها را کم اهمیت جلوه دهد و روحیه صفوفش را در برابر آنها

ترمیم کند. همانگونه که اشاره شد شکست مذاکرات اتمی یک نتیجه فوریش تشدید تحریمهای اقتصادی است. با این هدف که مردم به عامل سیاستهای غرب در برابر جمهوری اسلامی تبدیل شوند.

مردم ایران نیاز به گرسنگی ندارند

دول غربی و آمریکا در عراق و افغانستان و قبل از آن در بسیاری از نقاط دیگر جهان نشان داده اند که وقتی از تغییر و تحول و بهبود سخن میگویند چه جهنمی را مد نظر دارند. خصومت و دشمنی عمیق مردم با حکومت اسلامی قرار است توسط آنها وثیقه سناریوهای ضد انسانی ای شبیه خود جمهوری اسلامی شود. قیمتی که مردم برای رسیدن به یک چنین هدفی باید بپردازند البته هیچگاه محاسبه نشده است. اینکه چند هزار یا چند صد هزار کودک در همان اولین روزهای زندگی به کام مرگ و نیستی رانده میشوند، چند هزار یا چند صد هزار نفر از مردم از ساده ترین بیماری ها و حتی از نداشتن نان شب قربانی میگردند، و چند میلیون نفر زندگی شان به دلیل محرومیت از دسترسی به ساده ترین ضروریات زندگی تباه و سیاه و تلخ میشود، مشغله حکومتها نیست. همه چیز میتواند فدای بازیهای دیپلماتیک شود. این اتفاقی است که در خیلی کشورها در ابعاد فاجعه آمیزی افتاده و الان در ایران دارد صورت میگردد. مردم از نداری وسیعا خشمگینند. همین روزها مردم نیشابور در صف مرغ و گوشت با عصبانیت دست به تظاهرات زدند و فریاد "تنگ بر گرسنگی" سر دادند که در واقع منظورشان مرگ بر جمهوری اسلامی بود. صفهای طولی مرغ در شهر الوند قزوین و انتظار هفت هشت ساعتی برای یک مرغ نیز نمونه دیگری از وضعیت زندگی مردم در این جامعه است. اما مردم ایران برای شورش علیه حکومت نیاز به گرسنگی کشیدن بیشتر ندارند. این مردمی هستند که بارها علیه حکومت به خیابان آمده اند. این مردم سال ۸۸ بطور میلیونی با فریاد مرگ بر دیکتاتور

و مرگ بر جمهوری اسلامی به خیابان آمدند. این مردمی هستند که هرروز در کوچه و خیابان در برابر سیاستهای ضد زن حکومت می ایستند، در برابر اعدامها دست به شورش میزنند، در برابر زندانها تجمع میکنند و مهمتر از این هرروز اعتصابات متعدد کارگری را شاهدیم که حقوق انسانی شان را طلب میکنند. حقیقت اینست که نه فقط جمهوری اسلامی بلکه دولتهای غربی نیز بیش از هرچیز با همین وضعیت یعنی فضای انقلابی و سرنگونی طلبی در جامعه مشکل جدی دارند. میخواهند مردم عاصی شوند اما انقلاب نکنند. آنها میخواهند مردم بطور کنترل شده به پادوی سیاستهای دیپلماتیک و ارتجاعی حکومتهای سرمایه داری تبدیل شوند. دقیقاً این آن چیزی است که باید

مانع آن شد. تلاش ما کمونیستها باید این باشد که بحران و بن بست جمهوری اسلامی را به مردم نشان دهیم و در عین حال به مردم نشان دهیم و بگویم که چگونه میتوانند از این بن بست به نفع خود و برای نیازهای انسانی خود و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی با انقلاب خویش استفاده کنند. باید بتوانیم به مردم نشان دهیم که چگونه میتوانند در عین حال مانع سیاستهایی شوند که هدف آن جلوگیری از تحولات عمیق و انسانی در جامعه است. افشای سیاستهای سرمایه داری غرب و جریانات مختلف اپوزیسیون بورژوازی که آتش بیار معرکه سیاستهای دول غربی هستند یک جنبه مهم از خط و جهت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و دست یابی به یک جامعه واقعا انسانی است. *

مصر: اعتصاب هزاران کارگر ریسندگی و بافندگی

به گزارش رویترز روز یکشنبه ۱۵ ژوئیه بیش از ۲۳ هزار کارگر کارخانجات ریسندگی و بافندگی شهر محله که در مالکیت دولت قرار دارد، با خواست افزایش دستمزد دست از کار کشیدند. ۷ هزار تن از این کارگران دست به تحصن در محوطه کارخانه زدند و اعلام کردند که تا دستیابی به مطالباتشان به سر کار باز نخواهند گشت. علاوه بر خواست افزایش دستمزد که بعنوان خواست اصلی این کارگران اعلام شده، آنها خواهان اخراج مدیران فاسد و بهبود شرایط کار خود هستند. این کارگران موسوم به موتور محرکه انقلاب هستند، انقلابی که رژیم حسنی مبارک را در مدت زمان ۱۸ روز بزیر کشید. سعید حبیب یکی از کارگران معترض میگویند: ما همه کارگران توافق کرده ایم که تا زمانی که به خواستهایمان توجه نشود به اعتراضات ادامه بدهیم. همچنین گزارش میشود که اعتراضات با خواستهای مشابه از طرف کارگران بخش های مختلف در مقابل کاخ ریاست جمهوری در جریان است.

بریتانیا: تهدید به اعتصاب در آستانه المپیک لندن

به گزارش یورونیوز اتحادیه خدمات عمومی و تجاری بریتانیا روز پنجشنبه ۱۹ ژوئیه تهدید کرد در صورتی که خواسته هایش بر آورده نشود، دست به اعتصاب می زند. این اتحادیه خواستار توقف تعدیل نیرو و افزایش دستمزدهاست. گرچه هنوز تاریخ و نوع اعتصاب اعلام نشده، اما یک منبع نزدیک به اتحادیه احتمال داده است که اعتصاب در روزهای مهم بازیهای المپیک انجام شود. عضو کابینه بریتانیا در امور مهاجرت در واکنش به این تهدید گفت: "در آستانه بازیهای پراهمیتی مثل المپیک، اعتصاب می تواند تبعات وحشتناکی داشته باشد." رئیس اتحادیه گفته بود که پیش از این کابینه از خواسته های ما آگاه بود، اما هیچ واکنشی به آن نشان نداد.

یکی از بخش های این اتحادیه، کارکنان بخش کنترل گذرنامه در فرودگاهها هستند. در صورتی که این کارکنان نیز دست به اعتصاب بزنند، احتمال دارد مسافرانی که برای دیدن بازیهای المپیک به لندن سفر میکنند با صفهای طولانی کنترل گذرنامه مواجه شوند.

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

حزب کمونیست کارگری ایران: در حمایت از ممنوعیت ختنه کودکان!



حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ ژوئیه ۲۰۱۲، ۳۰ تیر ۱۳۹۱
سیاسی فعالانه به میدان آیند.

مذهب برای دخالت در زندگی انسانها اکیدا ممنوع و منسوخ گردد.
ما بار دیگر اعلام میکنیم که کودکان مذهب ندارند و جامعه و دولت باید از حقوق کودکان در برابر هرگونه تعرض مذهب دفاع کند.
حزب کمونیست کارگری همه زنان و مردان آزادیخواه و همه تشکل های سکولار و مدافع حقوق کودک در ایران و جهان را فرامیخواند تا برای

حزب کمونیست کارگری از جنبش ممنوعیت ختنه کودکان استقبال میکند و خود را در کنار همه آزادیخواهان، سکولارها و مدافعین حقوق کودک برای ممنوعیت اکیدا ختنه چه دختران و چه پسران در همه کشورها میداند.
ختنه کودکان جلوه برجسته ای از تعرض مذهب به جسم و روان انسانهاست و باید بعنوان يك جنایت مذهبی و اهرم مهمی در دست

بدنبال به خطر افتادن جان يك کودک در اثر انجام عمل ختنه در آلمان، دادگاه کلن رای به ممنوعیت ختنه کودکان داد که در سراسر این کشور لازم الاجرا است. در پی صدور این حکم جدال پرشور سیاسی و نظری در آلمان بالا گرفته و جنبش وسیعی علیه ختنه کودکان به راه افتاده است که به آلمان محدود نمانده و بیش از پیش ابعادی بین المللی می یابد.

برای اینکه يك راه حل منطقی در این میان پیدا کنید، شما باید وقت کافی به این مباحثات اختصاص دهید. بحث ختنه بحث حساسی است و جایی برای يك شلیک فوری سیاسی در این میان نیست.
۲۱ ماه جولای ۲۰۱۲
دوسلرف
امضا ها:

(لیست امضاها را در سایت روزنه می بینید)
پروفیسور دکتر ماتئاس فرانکس
اولین امضا کننده این نامه از همه پزشکان و حقوقدانان، روانپزشکان و دانشمندان و تشکلها دعوت میکند که این نامه را امضا کنند.
شما میتوانید به ادرس ایمیل
Matthias.Franz@uni-duesseldorf.de
نامه ارسال کنید و این نامه را امضا کنید.

(ترجمه متن از شورای مرکزی اکس مسلم- آلمان)
۲۱ جولای ۲۰۱۲
میانا احدی

الغاء ختنه کودکان و مقابله با دخالت مذهب در حیات اجتماعی و سیاسی فعالانه به میدان آیند.
برای پسرچه ها کاملا حساس است سنینی که بچه رشد میکنندو جسم خود را می شناسد درست در این سنین ختنه بیشترین لطمات روحی و جسمی را به کودک میزند. درست در شرایطی که کودک احتیاج زیادی به مراقبت والدین دارد، او را ختنه کردن یعنی زدن بیشترین لطمه به این کودک سوال اینست چرا نمیتوانیم صبر کنیم قربانی خودش در این مورد بتواند تصمیم بگیرد.
یافتن راه حل در این دعوا ها ایدا نباید بر مبنای ترس و فشار باشد. ما امضا کنندگان میخواستیم شما بعنوان قانونگذاران و دقیقا به همین دلیل که مرجع قانونگذاری هستید به حقوق کودکان توجه کنید ، دفاع از کودکان و توجه به خواست و نیازهای کودکان باید يك امر اصولی و اساسی برای شما باشد ما از شما میخواهیم که در این موقعیت حساس بطور واضح و آشکار در کنار کودکان قرار بگیرید و بحث را بر مبنای علمی و قانونی پیش ببرید و دستاوردهای علمی و پیشرفتهای علمی را در نظر بگیرید.

میبحث وجود دارد. ختنه برای کودکان درد و رنج زیادی بهمراه دارد و در اینجا بی توجهی آشکاری در مقابل درد و رنج کودکان پسر وجود دارد. این درد را باید دید. هیچ توجیه مذهبی و سنتی نمیتواند اینرا قابل قبول کند. و جواب اعتراضات را بدهد. در ۳۰۰ سال گذشته دفاع از حقوق کودکان به عنوان يك اصل بنیادی رشد کرده در این زمینه نباید فقط برای کودکان دختر اینرا در نظر گرفت و نه پسران چرا که این با برابری بین دو جنس هم در تناقض است.

بدیهی است که درجریان مباحثات حتما باید درمورد تمایلات، خواستها و ترسها و سنتهای گروههای مذهبی هم حرف بزنیم. اینجا بهتر است پاسخ اتهامات بزرگ پرتاب شده در این مورد مثلا ممنوعیت ختنه را مترادف با هولوکاست اجتماعی قرار دادن و یا اعلام اینکه بدلیل ممنوعیت ختنه زندگی یهودیها در آلمان ناممکن شده را بدهیم که این حملات برای نمایندگان مدافع حقوق کودکان غیر قابل قبول است. به عنوان فرزندان روشنگری، ما باید در نهایت چشمان خود را باز کنیم . لطفا به بچه ها آسیب نزنایند.

اینرا در این زمان فعالین مخالف ختنه همچون جوانان انوش در اسرائیل نیز اعلام میکنند. آنها از این تصمیم دادگاه کلن کاملا دفاع میکنند. آقای نادم الیاس مسئول قبلی شورای مسلمانان در آلمان از اینکه اسلام توجه به تغییرات میکند و خواهان ختنه کودکان در سنین بین ۴ تا ۶ سال است حرف میزند. اتفاقا این سنین

آزادی مذهب نباید مجوز خشونت باشد!

نامه سرگشاده بیش از صد پزشک و حقوقدان آلمانی به دولت آلمان در مورد ممنوعیت ختنه کودکان

اعمال خشونت علیه دستگاه تناسلی دختران هم در سطح ملی و هم بین المللی امری به رسمیت شناخته شده است در حالیکه در مورد ختنه پسران چنین نیست. ختنه پسران نیز از نظر پزشکی امری بیبوده و غیر ضروری است. این عمل ایدا از نظر پزشکی لازم نیست. این عمل در موارد زیادی همراه است با آسیب دیدن دستگاه تناسلی پسر بچه ها و همچنین همراه است با مضرات روحی و جنسی بسیار که باید در سطح علنی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. ما باید کاری کنیم که این جنبه های مخرب در افکار عمومی مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

جمع بندی کنیم از نظر پزشکی ما باید با نهایت صراحت اعلام کنیم که برای ختنه پسران اصلا هیچ دلیل پزشکی وجود ندارد. برای قطع کردن و پرتاب کردن يك بخش از پوست آلت تناسلی کودکان سالم، کودکانی که از خود نمیتوانند دفاع کنند، هیچ دلیلی وجود ندارد.

ما در مواردی به اعمال جراحی دست میزنیم برای جلوگیری از بیماریهای مقاربتی و یا اگر از طرف يك فرد بالغ خواست ختنه وجود داشته باشد، اینرا انجام میدهیم. .
ختنه کردن را نمیتوان با واكسن زدن به کودکان مقایسه کرد. وقتی به يك کودک واكسن میزنیم برای ایمن کردن او از يك بیماری این کار را میکنیم.

در اینجا بطور آشکار يك خلط

خانم صدراعظم، وزرای محترم ، اعضاي محترم مجلس آلمان!، شما در هفته های آئینده بطور متمرکز درگیر يك جدل مهم در مورد تنظیم قانونی در رابطه با ختنه کودکان پسر خواهید بود. این بحث هم اکنون در سطح افکار عمومی آلمان شروع شده است . اما بنظر میرسد این مباحثات بیش از پیش بر مبنای غیر علمی به پیش برده میشود. شما در نظر دارید فوراً موقعیت قانونی ختنه کردن معلوم شود و قضیه فیصله یابد. ولی این موضوع مهم نباید با عجله کنار گذاشته شود. ما خواهان تمرکز بر روی مسائل پایه ای در این مورد هستیم و خودمان برای يك جدل عمیق و پایه ای بر نکات اصلی بحث تمرکز میکنیم. از نظر ما نکته اصلی اینست که حق آزادی مذهب برای بزرگسالان ارجحیتی بر حق کودک ندارد. در مورد اینکه کسی حق ندارد به جسم او تعرض کند و حق طبیعی کودک است که بر جسم خود تسلط داشته رشد جنسی نماید و به او حرمت قائل شویم، اینها مهمترین اصول در این مباحث است.

در این مجموعه موضوع آزادی مذهب نمیتواند و نباید يك مجوز برای استفاده از خشونت جنسی علیه کودکان پسر باشد. کودکانی که نمیتوانند خودشان نظر دهند و تصمیم بگیرند.

واقعیست اینست که قباح

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

www.kargaran.org

سایت کارگران:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

حکومت اسلامی ایران میخواهد یک فعال سیاسی را اعدام کند!

به توم کونیگر رییس
کمیسیون حقوق بشر
پارلمان آلمان



این عکس متعلق به غلامرضا خسروی سوادجانی است. او متاهل و پدر یک پسر ۱۵ ساله است. او در سال ۱۳۶۰ در اولین ماههای بقدرت رسیدن حکومت اسلامی، در حالیکه ۱۶ سال داشت دستگیر و روانه زندان شده است. پنج سال در زندان بوده و سپس آزاد میشود. غلامرضا را حکومت اسلامی در سال ۱۳۸۶ در رفسنجان مجدداً دستگیر کرد. اتهام او کمک مالی به یک تلویزیون اپوزیسیون حکومت اسلامی بود. در شهر محل زندگی اش به شش سال زندان محکوم شده ولی از تهران پرونده را خواسته و زیر نظر یکی از جلادان مهم حکومت اسلامی به نام سعید مرتضوی به اعدام محکوم شده است. سعید مرتضوی یکی از چهره های بیرحم و جنایتکار حکومت اسلامی و کسی است که به اتهام قتل تعداد زیادی از جمله قتل جوانان بعد از اعتراضات میلیونی در سال ۱۳۸۸ در زندان مخوف کهریزک و قتل زهرا کاظمی خبرنگار ایرانی - کانادایی در زندان اوین مورد نفرت زیادی در ایران است. این فرد پرونده را به تهران منتقل میکند. غلامرضا از سوی دادستان وقت «سعید مرتضوی» و دادیار وی مورد اذیت و آزار فراوان قرار گرفته و او را تحت فشار میگزارند تا در تلویزیون علیه خود اقرار کند.

سری دوم محاکمه غلامرضا خسروی سوادجانی طی سالهای ۸۸ و ۸۹ منجر به صدور حکم اعدام در آذر ماه ۸۹ میشود که با گرفتن نقض توسط دیوان عالی به همان شعبه ۲۶ عودت داده شد. این روند همچنان ادامه داشت و بعد از چند

ماه سرگردانی سپس محاکمه سری سوم آغاز شد که آن هم بعد از یک سال در آذر ماه ۹۰ منجر به صدور مجدد حکم اعدام توسط قاضی پیرعباسی گردید اکنون حکم برای واحد اجرای احکام زندان اوین ارسال شده است. و حتی روز اجرای حکم را به خود او و خانواده اش ابلاغ کرده اند...

به این فعال سیاسی گفته اند که در روز بیست شهریورماه اعدام خواهد شد. طبق خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده است، طی روزهای اخیر نصیریور، دادیار اجرای احکام اوین با احضار غلامرضا خسروی به او اعلام نموده است که حکم اعدام او در تاریخ ۲۰ شهریور اجرا خواهد شد.

توم کونیگر گرمی!

از سوی زندانیان سیاسی متعددی از زندانهای ایران با من تماس گرفته اند و خواهان یک اقدام موثر بین المللی برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام خسروی سوادجانی هستند. چرا که او صرفاً بدلیل دادن کمک مالی به یک شبکه تلویزیونی در آستانه اعدام هست.

از جمله یک زندانی سیاسی به نام رضا شریفی بوکانی از زندان رجایی شهر با وجود اینکه بدلیل ارتباط با خارج از زندان بارها مورد اذیت و آزار بوده و شش روز در سلول انفرادی و تحت شکنجه بوده، با ارسال یک نامه از سازمانهای علیه اعدام و مدافع حقوق انسانی خواسته که کاری کنند که غلامرضا خسروی سوادجانی اعدام نشود.

من از طرف همه کسانی که در زندانهای حکومت اسلامی ایران نگران اعدام شدن غلامرضا خسروی سوادجانی هستند، و از طرف خانواده او و همه معترضین به اعدامهای گسترده در ایران از شما میخواهم که به اعدامها در ایران اعتراض کنید و با اعتراض به این حکم از حکومت اسلامی ایران بخواهید فوراً حکم ضد انسانی اعدام غلامرضا خسروی سوادجانی را لغو کند.

من در اینجا نامه زندانی سیاسی رضا بوکانی را نیز جهت اطلاع شما ضمیمه میکنم. این نامه اولین بار از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام در دسترس افکار عمومی قرار میگردد. مینا احدی - کمیته بین المللی

علیه اعدام، ۲۴ جولای ۲۰۱۲
نامه زندانی سیاسی رضا شریفی بوکانی به نهادهای مدافع حقوق انسانی برای اعتراض به حکم اعدام غلامرضا خسروی سوادجانی

اجرای حکم اعدام وقیح ترین شکل مجازات محکومین سیاسی در ایران است. علیرغم همه اعتراضات و انتقاداتی که بر علیه اعدام محکومین سیاسی صورت میگیرد، حکومت اسلامی اعدام میکند و سالها است که این اقدامها از سوی نهادهای حقوق بشری و انسانیهای آزاده محکوم میگردد.

تا بحال رژیم ایران به این اعتراضات با چنین عملکردهای وقیحانه و ضد انسانی توجهی نداشته است. کسانی که بخاطر فعالیتها سیاسی و با انگیزه شرافتمندانه مبارزه کرده اند نباید این فعالیتها به قیمت جان یک شهروند شریف تمام بشود.

رژیم اسلامی ایران همچنان به این رویه ضد بشری خود ادامه میدهد. نفس صدور احکام اعدام و اجرای آن علاوه بر دامن زدن به چرخه خشونت و خشونت ورزی و کینه توزیها در جامعه ایران بیانگر عملکرد ضد حقوق بشری و خودکامگی رژیم اسلامی ایران است. اکنون باردیگر در آستانه اجرای حکم اعدام یکی دیگر از محکومین سیاسی به نام غلامرضا خسروی سوادجانی با خبر شدیم که حکم این مبارز سیاسی را به اجرا در می آورند. هر چند فراتر از مسائل قضایی و روند دادرسی در دادگاههای فرمایشی و دروغین که به دور از انسانیت به شکل نا عادلانه ای برگزار میشود و حکم صادر میکنند چنین حکمی میتواند بار دیگر چهره صادر کنندگان این احکام و حاکمان مستبد را کریه تر و سیاه تر کند.

امید است که مدعیان اسلام دروغین و حيله گر در آینده نزدیک در همان دادگاههایی که فرزندان این مملکت را در آن محاکمه و به اعدام محکوم کردند خودشان از سوی مردمان ایران محاکمه و مجازات شوند.

طومار اعتراضی کارگران آذربایجان شرقی

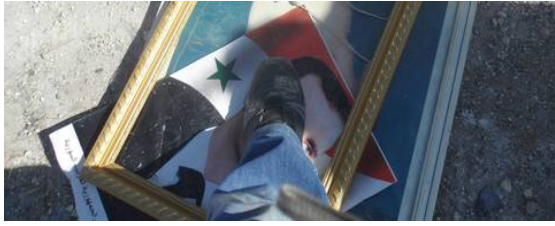
کارگر ساختمانی اشاره و یادآور شده اند: علیرغم ثبت نام و تحمل هزینه، از سوی کارگران ساختمانی هنوز به سرانجامی نرسیده است و شرکتها پیمانکاری همچنان مشغول چپاول دسترنج کارگران هستند. در بخش دیگری از این طومار با تاکید بر اینکه ناامنی شغلی، اخراج و تعطیلی کارخانه ها که در بدترین وضعیت نسبت به سالهای پیش قرار دارد، تصریح شده است: بدون تردید نه تنها ما کارگران بلکه هیچ انسان شریف و منصفی تحمل چنین شرایطی را بر میلیونها کارگر و خانواده های آنان بر نمی تابد، لذا ما کارگران امضاء کننده این طومار بعنوان اقدامی بسیار مبرم و عاجل برای پایان دادن به وضعیت مشقت بار موجود مصرانه خواهان افزایش حداقل دستمزد بر اساس تورم واقعا موجود و تامین شرافتمندانه سبد هزینه یک خانوار چهار نفره با دخالت نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی هستیم. این کارگران شرقی در بخش دیگری از این طومار همچنین بر کنار گذاشتن طرح اصلاحیه قانون کار و بار دیگر بر توقف احتساب حقوق بازنشستگی کارگران بر مبنای میانگین دستمزد ۵ سال آخر تاکید و خواستار اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی و مصوبه هیئت وزیران مبنی بر حذف شرکتهای پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم و دائمی با کارگران و ایجاد ساز و کار قانونی قاطع برای پرداخت به موقع دستمزدها و تعقیب قضائی کارفرمایانی هستیم که کارگران را بدون قرارداد و یا با قراردادهای سفید امضاء و دستمزدهای معوقه وادار به کار میکنند شده اند. (به نقل از کارگر کمونیست ۱۱۹)

• اینها خبر داد که جمعی از کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی استان آذربایجان شرقی با ارسال طوماری به دفتر ریاست جمهوری اسلامی، نمایندگان مجلس و وزیر کار تعاون و رفاه اجتماعی خواستار توجه جدی به وضعیت سطح معیشتی کارگران شدند. این کارگران در این طومار با اشاره به اجرای فاز اول طرح هدفمندسازی یارانه ها گفته اند که با اجرای این طرح، یارانه کالاها قطع و در این وضعیت بهای اقلام و کالاها اساسی چندین برابر افزایش قیمت داشته و این در حالی است که در طول این مدت میانگین دستمزد کارگران بر روی هم در سال ۹۰ و سال جاری، نسبت به سالهای قبل از اجرای فاز اول قطع یارانه ها حتی کاهش نیز پیدا کرده است و علاوه بر آن در طول این مدت با اعمال قانون ارزش افزوده بر روی کلیه کالاها مصرفی عملاً حدود ۵ درصد از دستمزد روزانه زیر خط فقر ما کارگران به خزانه دولت سرازیر شده است. در بخش دیگری از این طومار با تاکید بر اینکه عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران بیداد می کند آمده است در این شرایط اسفبار و غیر قابل تحمل در مورد دستمزدها، اصلاحیه ای بسیار ضد کارگری بر روی قانون کار که امنیت شغلی و معیشت کارگران را نشانه رفته تهیه شده و قرار است به زودی به مجلس ارائه شود که بر مبنای آن میانگین حقوق دو سال آخر کارگران برای تعیین حقوق بازنشستگی به میانگین حقوق ۵ سال آخر آنان تغییر پیدا کرده که باعث افت شدید حقوق کارگران و بازنشستگان شده است. کارگران با ابراز نگرانی شدید خود به این وضعیت به موضوع بیمه میلیونها

بایستی که حق حیات را به رسمیت شناخت و به اعلامیه جهانی حقوق بشر احترام بگذارند و حقوق زندانیان و خصوصاً زندانیان سیاسی را محترم شمارند. من بعنوان یک زندانی سیاسی کرد از درون زندان

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید
سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجالبی
بدل میشود!

اسد در آستانه سقوط است، مبارزه مردم سوریه باید ادامه یابد!



حزب کمونیست کارگری به مردم قهرمان سوریه درود میفرستد و حمایت کامل خود را از مبارزات آنان علیه رژیم اسد و علیه همه نیروها و دولت‌های ارتجاعی که در تلاش تحریف و به شکست کشاندن انقلاب هستند اعلام میکند. حزب و مردم انقلابی ایران تا پیروزی نهایی مردم سوریه در کنار و همراه و حامی آنان خواهند بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ تیرماه ۱۳۹۱، ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۲

وارد خواهد کرد. جمهوری اسلامی، هم بعنوان محور جنبش اسلام سیاسی و متحد نزدیک حکومت سوریه و هم بعنوان يك نیروی ارتجاعی شريك و همدست جنایات این رژیم، از شکست و سقوط رژیم اسد سهم عمده ای خواهد برد. با سرنگونی حکومت سوریه بحران جمهوری اسلامی به مراتب تشدید میشود و مردم ایران در موقعیت مساعدتری برای بزیر کشیدن حکومت قرار خواهند گرفت. بعد از اسد نوبت جمهوری اسلامی است.

روزانه در همه نشریات مهم و محلی در آلمان در مورد این موضوع مطلب و خبر و گزارش و مصاحبه چاپ میشود و استدلال‌های مخالفین ختنه بنظر میرسد چنان قوی است که سیاستمداران فعلا ترجیح داده اند سکوت کنند.

سازمانهای مذهبی و اسلامی و یهودی نیز، فعلا ساکت شده اند. با این مباحثات و با پیشروی جنبشی که از حقوق و حرمت کودکان دفاع میکند، عملا سازمانهای مذهبی يك اعتراض عمومی را تجربه میکنند که راهی برای مظلوم‌نمایی و یا تهدید کردن که روش کار سازمانهای اسلامی بویژه در این نوع مباحثات بوده باقی نمیگذارد.

این يك جنبش مهم است که می‌رسد دستاوردهایی فراتر از ممنوعیت ختنه بدست آورد. مقابله با دست اندازی سازمانهای مذهبی و اسلامی در زندگی مردم.

مینا احدی

۲۵ جولای ۲۰۱۲

این دوسال ختنه کودکان در همه جای آلمان ممنوع باشد. در همه رسانه‌ها مخالفین اعلام میکنند که اگر دولت سر و ته قضیه را فوری هم بی‌آورد به دادگاه عالی آلمان در شهر کارلسروهه شکایت خواهند کرد.

اعتراضات در آلمان گسترده تر میشود و مباحثات با استقبال عمومی بیشتری روبرو میشود.

نامه سرگشاده از سوی دکتر توماس فرانستز از بیمارستان دوسلدرف در اعتراض به تصمیم پارلمان آلمان و در دفاع از ممنوعیت ختنه اکنون از سوی بیش از هزار پزشک و حقوقدان و سازمان مدافع حقوق انسانی و مدافعین حقوق کودکان امضا شده است.

<http://www.faz.net/aktuell/politik/inland/offener-brief-zur-beschneidung-religionsfreiheit-kann-kein-freibrief-fuer-gewalt-sein-11827590.html>

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

ارتجاعی در غرب و در منطقه، بقایای حکومت و مقامات و امرای ارتش و بویژه نیروی که امروز خود را ارتش آزاد مینامد تلاش خواهند کرد ختم انقلاب را اعلام کرده و اوضاع را به کنترل خود درآورند. این احتمال هم وجود دارد که جریان‌های اسلامی میداندار بشوند. باید در برابر کل این نیروها ایستاد و به ارتشیان و اسلاميون و بقایای رژیم و دولت‌های حامی آنان اجازه نداد که سناریوی شبیه مصر و لیبی را در سوریه تکرار کنند.

تاثیرات سقوط رژیم بشار اسد از خود سوریه فراتر خواهد رفت. سرنگونی این رژیم ضربه محکمی به کل نیروهای ارتجاعی اسلامی در منطقه و به ویژه به جمهوری اسلامی

درگیری نظامی میان دار و دسته های مسلح نیست، بلکه حاصل از هم پاشیدن یکی از هارترین و وحشی ترین دیکتاتوریه‌ها در اثر بیش از شانزده ماه اعتراضات و تظاهرات قهرمانانه مردم سوریه است. مردم سوریه باید متشکل تر و یکپارچه تر از همیشه بیدار بیایند، ابتکار عمل را بدست بگیرند، و در وارد کردن آخرین ضربه به رژیم اسد نقش فعال و برجسته‌ای ایفا کنند.

با سقوط اسد يك مانع اساسی بر سر راه تحقق خواسته‌های آزادیخواهانه و انسانی مردم سوریه بجلو برداشته شده میشود اما این تنها اولین گام است. مبارزه مردم سوریه نمیتواند و نباید با سقوط اسد متوقف شود. بی شک بعد از سقوط اسد دولتهای

رژیم بشار اسد در آستانه سقوط قرار گرفته است. درگیریهای نظامی بین نیروهای مخالف و نیروهای وفادار به اسد در دمشق، پایتخت و مرکز قدرت رژیم، شدت ادامه دارد، تعدادی از وزرا و بالاترین مقامات ارتشی و امنیتی رژیم اسد کشته شده اند و صفوف حکومت در بالاترین سطح کاملاً بهم ریخته و در ارتش و در کل رژیم شکاف افتاده است.

در حال حاضر نیروی مسلح جدا شده از ارتش که خود را ارتش آزاد مینامد در راس حمله به نیروهای وفادار به اسد قرار گرفته است و چنین به نظر میرسد که در سوریه يك جنگ داخلی میان جداشدگان از ارتش و نیروهای وفادار به اسد در جریان است. اما این جنگ يك

در اطریش اولین کلینیک ها ختنه کودکان پسر را متوقف کردند

عقب نشینی آرام دولت آلمان:

وزیر دادگستری از ضرورت بررسی دقیق و طولانی مدت قانون ختنه حرف میزند.

سر آزادی مذهب است. ختنه از زمان حضرت پیغمبر يك امر مذهبی و اسلامی بوده و میماند. او میگوید ما بدنال يك راه حل منطقی هستیم و با بقیه سازمانهای مذهبی حرف زده ایم همه آنها میخواهند با ما همبستگی اعلام کنند!!

در آلمان اما سمیه مخالفین قوی است و جنبشی اجتماعی و بزرگ در حال پیشروی است و دولت مجبور شده است با احتیاط رفتار کند.

عجله نکنید. زمان لازم هست!

وزیر دادگستری آلمان "ساینه لوتهوریزر- شنارنبرگر" گفت: ما وقت لازم داریم برای پایان دادن به این موضوع عجله نکنید. "موضوع پیچیده تر از آنست که برخی فکر میکنند يك جمله را در جایی اضافه و یا کم میکنیم وموضوع حل میشود"

این اتفاقا حرف مخالفین در مورد تصمیم گیری عجولانه پارلمان آلمان بود مخالفین خواسته اند دو سال وقت برای روشن کردن جوانب مسئله داده شود. در این دو سال میز گردی با حضور نمایندگان سازمانهای مذهبی ونمایندگان پزشکان و حقوقدانان و یا نهادهای مدافع حقوق کودک تشکیل شود و در

جوانب برای روشن کردن پراتیک بعدی خودمان تصمیم گیری کنیم. تا موقعی که در حال بررسی هستیم فعلا هیچ بیماری برای ختنه قبول نمیشود.

همچنین در فورآلبرگ بی اعتمادی وجود دارد. استانداراین استان بعد از تصمیم دادگاه کلن به همه بیمارستانها در این استان توصیه کرده است که این عمل جراحی را روی کودکان انجام ندهند.

وزارت دادگستری اطریش تحت فشار است که در این مورد از نظر قانونی رای و نظر بدهد. برخی از مسئولین و یا سیاستمداران و پزشکان معتقدند تا روشن کردن جوانب قانونی مسئله، عمل جراحی ختنه متوقف میشود و برخی سیاستمداران بر عکس معتقدند همه چیز روشن است و ختنه قانونی است و باید ادامه یابد.

نماینده سازمانهای اسلامی در اطریش فواد ساناک میگوید این مباحثات "خطرناک" است نمایندگان سازمانهای یهودی و اسلامی هر دو معتقدند که موقعیت قانونی در اطریش روشن است و ختنه قانونی است و قانونی هم میماند. نماینده اسلامیه میگوید: " اینجا بحث ابدا بر سر حقوق کودکان نیست بلکه بر

اینکه در شهر کلن آلمان يك دادگاه ختنه کودکان را ممنوع اعلام کرد، در آلمان موجی از بحث و ابراز نظر و اعتراض و موافقت را دامن زد. این مباحث بلافاصله بویژه به کشورهای همسایه کشیده شد و اکنون بعد از ممنوعیت ختنه در يك بیمارستان در زوریخ سویس دو بیمارستان در گراتز و فورآلبرگ - اطریش موقتا ختنه کودکان را متوقف کرده اند.

بحث در مورد ختنه کودکان اکنون اطریش را نیز بخود مشغول کرده است. بعد از بیمارستانی در زوریخ آلمان بیمارستان کودکان در گراتز انجام عمل جراحی ختنه را رسماً متوقف کرده است.

سازمانهای مدافع حقوق کودکان و بیمارستانها مشغول بررسی قانونی بودن این عمل اخلاقی بودن و تاثیرات منفی و یا مثبت آن برای ختنه شدگان هستند. نهاد اطریشی برای جراحی کودکان و نوجوانان میگوید ما مشغول بررسی این هستیم که ختنه را از زاویه قانونی و اخلاقی بررسی کرده و میخواهیم بزودی يك موضع در این مورد بگیریم. پروفوسور دکتر آمولا سخنا از بیمارستان گراتز میگوید در هفته های آینده باید بتوانیم با بررسی همه

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!